

## ای داعیان سکولاریزم اسلام کجاست که برای نابودی آن سعی دارید؟!

(ترجمه)

منی آرکو مناوی رئیس حرکت ارتش تحریر سودان، پرده از کارهایش یکسو نموده و اظهار داشت که اساس برنامه‌های حرکت وی بر مفکوره جدایی دین از دولت استوار بوده و این مفکوره با دین در تضاد نبوده و مفکوره‌ای نیست که آن را غلط خواند؛ به این دلیل که اگر کمی دقت نماییم درمی‌یابیم که مساحت و دایره دین فراتر از دایره دولت بوده و در حقیقت دین برای تمام بشریت است آن هم در محدوده برداشت انسان از دین. قبل از وی عبدالعزیز الحلو در گفتگویی با «سکای نیوز» هر نوع به کارگیری از دین را جهت اهداف سیاسی به شدیدترین الفاظ رد نمود. وی تأکید ورزید که راه حل فقط در گرو جدایی دین از دولت بوده و خاطر نشان ساخت که در خرطوم بعضی از نخبگان سیاسی در فعالیت‌های سیاسی از دین سوء استفاده نموده اند و به گمان وی همین امر سبب درگرفتن جنگ‌هاست. وی برای این گفته‌اش به فتاوی که تشویق به خشونت می‌نماید اشاره نموده و تأکید ورزید که مفکوره جدایی دین از دولت امر مطلوبی است تا که دولت در یک سطح واحد از سوی تمام ادیان و وابستگی‌های قومی قرار داشته و موقف خود را حفظ کند.

بیاناتی هم‌چو بیانات قبیح فوق در حالی گفته می‌شود که گویا اسلام امروز حاکم است؛ در حالی که آن‌ها به علم یقین می‌دانند که از زمان فروپاشی دولت اسلامی خلافت تا به امروز هیچ حاکمیت اسلامی در سودان برپا نشده است و هم‌چنین آن‌ها خوب می‌دانند که اسلام امروز در صحنه دولت هیچ نقشی نداشته و بطور کلی از آن جداست و حکام سرزمین‌های اسلامی در تطبیق جدایی دین از دولت برای راضی ساختن و اطاعت از بادران غربی خود نهایت سعی و تلاش می‌ورزند، همان بادرانی که هم و غم شان نشر سکولاریزم در سرزمین‌های اسلامی می‌باشد؛ چون آن‌ها خوب می‌دانند که اگر اسلام بطور کامل و همه‌جانبه در دولت تطبیق شود و به وسیله دعوت و جهاد در جهان حمل شود؛ بزودی زود با آن‌ها در مرکز سرزمین شان به مبارزه خواهد پرداخت. اما متأسفانه که کفار در خریداری رهبران و حکامی که تا هنوز نظام‌های غربی را تا دم مرگ برای بدست آوردن رضایت بادران شان تطبیق می‌نمایند کامیاب گشته اند.

نظام کفری سکولاریزم بعد از سقوط خلافت توسط جنایت کار عصر، مصطفی کمال اتاترک لعنت الله علیه تا بحال در سودان و تمام سرزمین‌های اسلامی حاکم می‌باشد. بعد از آن که دولت خلافت سقوط داده شد و حکام مسلمانان سکولاریزم را برگزیده اند؛ امت مسلمه تا به امروز رفاهیت و آرامش را تجربه نموده است. تمام دولت‌هایی که متعاقباً در سودان قدرت را بدست گرفته اند نظام سکولاریزم را گردانندگی نموده و در تحت چتر آن انواع سختی‌ها را به مردم چشانند که مردم از هیچ یک از آنان راضی نیستند. بلی، نظامی را گردانندگی نموده اند که انسان‌ها را به فقر کشانده است و ما تا به امروز در آتش آن می‌سوزیم.

طبق یکی از منابع که تشکیل حکومت سودان را احصائیه‌گیری نموده است از زمان خروج کافر استعمارگر از سودان (تعداد حکومتی که از زمان استقلال سودان تا سال 2013م روی کار آمده است به 53 حکومت می‌رسد که یا جدیداً روی کار آمده اند و یا در حکومت تعدیلی صورت گرفته است) حتی یکی از آن‌ها مطابق به اسلام حاکمیت ننموده است، که در نهایت تمام مردم علیه آن‌ها شورش نموده که سر انجام یا بوسیله قیام مردمی و یا هم بوسیله کودتای نظامی سقوط داده شدند.

بشریت از این نهال سکولاریزم محصولی جز فاجعه‌ها و بلاهای فراگیر اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی و.. برداشت ننموده است و آن‌گاه که غرب دیموکراسی را بر اساس عقیده سکولاریزم و نظام اقتصادی سرمایه‌داری آن برگزید، با پیشامدهای ناگوار و رسوا کننده آن در افتاد. در سطح انسانیت، جوامع غربی رنگ و صورت جنگل را به خود گرفتند که در آن قوی ضعیف را می‌خورد، غنی فقیر را به بردگی می‌گیرد و در اثر آن طبیعی‌ست که در جوامع شاهد طبقات گوناگون آن هستی و می‌بینی که انسان‌ها در سطوح مختلف قرار دارند، مکاتب انواعی دارد و رستوران‌ها درجاتی متفاوت... الخ. در جوامع غربی فردی در اثر گرسنگی در روی سرک‌ها و جاده‌ها در حالی می‌میرد که هیچ یک از افراد بدان توجهی ننموده و حتی از حالش پرسانی نمی‌نمایند بر علاوه این؛ شخصی دیگری را می‌یابی که بر حقوق دیگران تجاوز نموده و بر ابدان آنان می‌تازد بدون این که کسی را بیایی که وی را ملامت نموده و برایش حد و مرزی تعیین نماید.

اما از نظر اخلاقی، جوامع غربی تهی از اخلاقیات گردیده اند، که در آن‌ها روسپی، تجارت فحشا و منکرات در رأس قرار دارند. مصلحت و منفعت مادی در تمام روابط جامعه حکمفرما بوده و اعمالی همچو دروغ، پیمان شکنی و فریب کاری، منافقت و خیانت در راه بدست آوردن منفعت مادی اخلاق پسندیده و رایج بشمار می‌رود و جوامع غربی در مقابل ارزش مادی طغیان‌گر حاکم بر ارتباطات جامعه؛ تهی از ارزش‌های انسانی، اخلاقی و معنوی می‌باشد.

و اما از نظر اقتصادی، در نظام سرمایه‌داری جامعه به دو طبقه تقسیم شده است؛ طبقه طفیلی حریص که بالای خون‌های مردم زندگی می‌کند و دیگر؛ طبقه فقیر که به خاطر بدست آوردن نان برای خود و فامیل خود با سخت‌ترین مصیبت‌ها دست و پنجه نرم می‌نمایند، طوری که 5 فیصد از جامعه مالک بیشتر از 90 فیصد ثروت آن هستند و در مقابل 95 فیصد از جامعه مالک 10 فیصد از ثروت آن نیستند. در اکثر جوامع ثروتمند و غنی می‌بینی که کسانی در روی سرک‌ها و جاده‌ها زندگی نموده و تغذیه شان از مواد غذایی است که در زباله دان‌ها می‌یابند. لذا تظاهراتی را که در این اواخر در صدها شهر غربی بخاطر پایان بخشیدن به نظام سرمایه‌داری راه اندازی شد و به اساسی‌ترین اماکن آن مثل «وول استریت» ورود صورت گرفت چیزی نیست که ما را شگفت انگیز نماید. و به خاطر منافع اقتصادی گروه حاکم، حرمت شکنی محرمات و ارتکاب ممنوعات حلال گردیده است. تجارت اسلحه، تجارت مواد مخدر، تجارت جنس، تجارت برده‌داری، آلودگی محیط زیست، قماربازی با اموال مردم و محدودیت دخل پولی که بنام بازار پول و بورس یاد می‌گردد از چیزهای است که در رأس جوامع غربی قرار دارند.

اما از نظر سیاسی، سیاست جز دروغ چیزی بیش نیست؛ نزد غرب یک قاعده کلی به شمار رفته و همین قاعده دلیل بر آن است که سیاست به شکل واقعی و حقیقی آن در جوامع غربی وجود نداشته؛ دروغ گفتن به مردم و فریب دادن آنان، اشغال و استعمار سرزمین‌های ضعیف، مکیدن خون‌های مردم، سرقت اموال آنان و مصادره سرزمین‌ها همه و همه ارزش‌های است که به خاطر منافع دولت‌های بزرگ جهان و منافع مادی انجام می‌پذیرد.

این بود تصویر زندگی در تحت چتر نظام سرمایه‌داری و نظام اقتصادی آن! حکام امروزی و انسان‌های سرکشی هم‌چو آرکومناوی و عبدالعزیز الحلو در فکر انسان‌های سرزمین سودان و سرزمین‌های دیگر و مصلحت آنان نبوده، بلکه تنها هم و غم شان این‌ست که بیاناتی هم‌چو بیانات متذکره فوق نزد بادران شان برای شان شفیع گردد تا بدین‌وسیله بتوانند رضایت شان را کسب نمایند و لو به قیمت خشم الله سبحانه و تعالی تمام شود.

بشریت به آرامش و رفاهیت دست نیافته و نخواهد یافت، مگر در تحت سایه نظام ربانی که مصدر آن وحی الهی باشد، نظام آن نظام خلافت که چون تطبیق گردد، خلیفه آن فقیری را نخواهد یافت که مستحق زکات گردد، دیون رعیت را پرداخت نموده و هرکس که اراده ازدواج داشته باشد، زمینه آن را میسر ساخته و به اهل ذمه بذل و بخشش خواهد نمود و آنقدر مال افزون گردد که این مقوله مشهور را بر زبان خواهد آورد که «گندم بخريد و بر سر کوه بریزيد تا که پرندگان بخورند، مبادا گفته شود که در سرزمین های اسلامی پرنده ای گرسنه است».

نویسنده: استاد عبدالخالق عبدون علی

عضو دفتر مطبوعاتی حزب التحریر در ولایت سودان»

مترجم: محمد مزمل